

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

## زیارت، الحاق به امام است<sup>۱</sup>

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُتَّصِلِ بِالْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَ حُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانِكَ»

امام کسی است که امام و پیشاپیش جمعیت راه را طی می‌کند و مأموم کسی است که پشت سر امام، راهی را که امام طی می‌کند، می‌رود؛ بنابراین شیعه و مأموم اهل بیت علیهم‌السلام، راه ائمه علیهم‌السلام را طی می‌کند. شیعه و مأموم ملحق به امام خود است. وقتی به زیارت ظاهری امام می‌رویم نیز درحقیقت به امام می‌پیوندیم و به او ملحق می‌شویم. در همین موضوع، چند شاهد از زیارت‌نامه‌های مختلف برایتان می‌خوانم. در زیارت مطلقه‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام (زیارت اول) - امیدوارم خداوند توفیق دهد به نجف مشرف شویم و در حرم حضرت این زیارت را بخوانیم - این جمله آمده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدِّيقٍ فِي أَوْلِيَانِكَ وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ وَ مُسْتَقَرَّهُمْ حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَ تَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۲</sup>. «حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ» مرا به ائمه ملحق کن. «وَ تَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» و مرا در دنیا و آخرت، تابع و پیرو آنها قرار بده. این جمله‌ی زیارت "امین الله"<sup>۳</sup> را که در حرم حضرت رضا علیه‌السلام

<sup>۱</sup> این سخنرانی در یک سفر زیارتی به مشهد مقدس ایراد شده است.

<sup>۲</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۸۶ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام زیارت اول.

<sup>۳</sup> زیارت امین الله زیارت بسیار عظیمی است که در سفرهای قبلی شرح آن را برایتان گفته‌ام و به عظمت آن توجه دارید.

هم می‌خوانید، به خاطر دارید: «اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي»<sup>۴</sup> بین من و اولیایم را جمع کن. در زیارت "مسلم بن عقیل"<sup>۵</sup> می‌خوانیم: «فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْتَبِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»<sup>۶</sup> خدای متعال بین ما و شما و پیامبر و اولیایش در جایگاه مختبین، جایگاه کسانی که تسلیم محض پروردگارند، جمع کند. همچنین در زیارت "هانی بن عروه"<sup>۷</sup> است که: «حَشْرَكَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ جَمَعْنَا وَ إِيَّاكُمْ مَعَهُمْ فِي دَارِ النَّعِيمِ»<sup>۸</sup>.

در زیارت مطلقه‌ی امام حسین علیه السلام نیز آمده است: «وَيَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»<sup>۹</sup>. در "زیارت عاشورا" نیز داریم: «أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»<sup>۱۰</sup>. همین‌طور در زیارت "حضرت ابوالفضل‌العباس علیه السلام" آمده است: «فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ رَسُولِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْتَبِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»<sup>۱۱</sup>. در زیارت شب‌های قدر حضرت اباعبدالله علیه السلام نیز خطاب به شهدا می‌گوییم: «جَمَعَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ»<sup>۱۲</sup>.

این فرازا چه معنایی دارد؟ خواسته‌ی بزرگی که در زیارت‌نامه‌ها وجود دارد، رسیدن به مقام جمع است. تجلی حقیقت هستی در این عالم، در وجود ولیّ اعظم خداست و دیگران از آن حقیقت، متفرّق و پراکنده شده‌اند. در سیر الی‌الله، به آن حقیقت باز می‌گردند و به آن ملحق می‌شوند؛ یعنی از مقام

<sup>۴</sup> محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت مطلقه‌ی امیرالمومنین علیه السلام زیارت دوم (امین الله).

<sup>۵</sup> مزار مسلم بن عقیل و هانی بن عروه در کنار مسجد کوفه است.

<sup>۶</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۴۲۷ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت جناب مسلم بن عقیل علیه السلام.

<sup>۷</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۴۲۹ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت هانی بن عروه علیه السلام.

<sup>۸</sup> محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت مطلقه‌ی امام حسین علیه السلام.

<sup>۹</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۵ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت عاشورا.

<sup>۱۰</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۷۸ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

<sup>۱۱</sup> محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت امام حسین علیه السلام در شب‌های قدر.

تفرقه و پراکندگی به مقام جمع برمی‌گردند. میوه‌ی بزرگ زیارت که در غالب زیارت‌نامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام و حتی در زیارت‌نامه‌های امام‌زادگان و در زیارت‌نامه‌ی بزرگانی همچون مسلم‌بن‌عقیل و هانی‌بن‌عروه درخواست شده است، رسیدن به مقام جمع است. ما در عالم پراکنده‌ایم و هر گوشه‌ی دلمان به جایی وصل است. هر گوشه‌ی حواسمان یک جایی است. در هستی پخشیم. اینکه از این پراکندگی و تفرق نجات پیدا کنیم و در آن کانون هستی جمع شویم، آن خواسته‌ی بزرگی است که در زیارت‌نامه‌ها مطرح می‌کنیم.

اینکه جمع شویم یعنی چه؟ «يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» یعنی چه؟ «يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» یعنی چه؟ جمع شدن به این معنا نیست که من با بدن فیزیکی خودم کنار بدن فیزیکی پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا ائمه علیهم‌السلام قرار بگیرم. این مرتبه‌ی نازله‌ی جمع شدن است. تمام مراتب وجود شیعه باید جمع شود؛ «أَنْ يُلْحَقَنِي» به امام خودش ملحق شود؛ یعنی اندیشه‌اش به اندیشه‌ی امام ملحق شود. در زیارت جامعه‌ی کبیره هم می‌گویید: «رَأَيْ لَكُمْ تَبِعٌ»<sup>۱۲</sup> یعنی من اندیشه‌ی خودسری ندارم؛ اندیشه‌ی من تابع شماست. خدمت عزیزان عرض کرده‌ام که بحث آزادی اندیشه حرف مفت است. آزادی اندیشه یعنی چه؟! «رَأَيْ لَكُمْ تَبِعٌ». وقتی به آن حقیقت رسیدی، دیگر خود را صاحب تشخیص دانستن خلاف ادب است. در کنار ولی اعظم خدا، من صاحب فهمم؟! صاحب اندیشه‌ام؟! «رَأَيْ لَكُمْ تَبِعٌ»؛ لذا جمع شدن یعنی اندیشه‌ی ما تابع اندیشه‌ی آنها شود؛ فهمان، معرفتمان، خلقیاتمان، روحیاتمان، رفتارمان، ظاهرمان، باطنمان و همه‌ی وجودمان باید به امام ملحق شود.

حال، اگر اینگونه است که حقیقت تشیع ملحق بودن به امام است؛ اگر حقیقت زیارت، ملحق شدن و همراه شدن با امام است، باید ببینیم که ائمه‌ی ما چگونه بوده‌اند و چگونه می‌توان زائر آنها شد. ائمه‌ی ما هریک با القابی خوانده می‌شوند که نشان‌دهنده‌ی وجه بارز شخصیت آنهاست. به عبارت دیگر،

<sup>۱۲</sup>. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۴ و محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره.

القابی که ائمه علیهم السلام با آن خوانده می‌شوند، صفات و خصوصیات است که در موقعیت زمانی و اجتماعی‌یی که ائمه در آن زندگی می‌کرده‌اند، در شخصیت آنها بروز و ظهور بیشتری داشته است. حال ببینیم شیعه‌ی ائمه به چه کسی گفته می‌شود؟ زائر ائمه علیهم السلام یعنی چه کسی؟ زائر امام رضا علیه السلام کسی است که به حقیقت رضا واصل شده است. کسی که به حقیقت رضا واصل شد، امام رضا علیه السلام را ملاقات و زیارت کرده است. زائر امام کاظم علیه السلام کسی است که به مقام کظم نایل شده است. زائر امام سجاد علیه السلام کسی است که به مقام سجود و عبودیت نائل شده است؛ چون امام سجاد علیه السلام، زین العباد هستند. زائر امام باقر علیه السلام کسی است که به حقیقت علوم باقری ملحق شده است. زائر امام صادق علیه السلام کسی است که به حقیقت صدق ملحق شده است. این زیارت، زیارت حقیقی است. سفر زیارت، رقیقه و نازله‌ای از حقیقت زیارت است. اشاره کردم که شیعه به کسی گفته می‌شود که امامش را در راهی که می‌رود، مشایعت می‌کند؛ یعنی به دنبال امامش می‌رود. پس شیعه‌ی امام صادق علیه السلام کسی است که صدق دارد. شیعه‌ی امام کاظم علیه السلام کسی است که کظم دارد. ادعای تشیع با حقیقت تشیع فرق دارد. مگر قرآن نفرمود: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُنْزَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»<sup>۱۳</sup>؟ اینها گمان می‌کنند ما بدون امتحان ادعایشان را می‌پذیریم؟ چنین نیست. گذشتگان را امتحان کردیم، شما را هم امتحان می‌کنیم. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»<sup>۱۴</sup>.

می‌گویی شیعه‌ی امام رضا علیه السلام هستم؟ رضای تو کجاست؟ آیا واقعاً راضی هستی؟ اگر حقیقت رضا در تو محقق شده است، امام رضا علیه السلام را زیارت کرده‌ای؛ ولو فرسنگ‌ها از مشهدالرضا فاصله داری. پیش منی، در یمنی، در یمنی، پیش منی. ممکن است پیش من باشی؛ اما در یمن باشی؛ ممکن است در کنار ضریح علی بن موسی الرضا علیه السلام باشی، اما اگر خدای ناکرده قلبت از مقدرات الهی ناراضی باشد،

<sup>۱۳</sup>. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌های ۲ و ۳.

<sup>۱۴</sup>. سوره‌ی صف، آیه‌های ۲ و ۳.

تو کجا زائر و شیعه‌ی علی بن موسی الرضا علیه السلام هستی؟ از آن طرف هم ممکن است فرسنگ‌ها از مشهد فاصله داشته باشی؛ ولی حقیقت رضا در تو محقق شده باشد و مزین به حقیقت رضا باشی؛ در این صورت زائر امام رضا علیه السلام هستی. نقل شده است که: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ فَلْيَتَوَالَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاعِ» هرکس دوست دارد فردای قیامت خداوند را در حالی ملاقات کند که خدای متعال از او راضی است، باید ولایت علی بن موسی الرضا علیه السلام را اختیار کند. پس ولایت علی بن موسی الرضا علیه السلام انسان را مرضی خداوند می‌گرداند و کسی مرضی خداوند می‌شود که از خدا راضی باشد. این ماجرا را قبلاً برایتان گفته‌ام که بنی اسرائیل نزد موسی بن عمران علیه السلام آمدند و گفتند: یا موسی! حال که داری برای گفتگو با خداوند به کوه طور می‌روی، سؤالی را هم از طرف ما از خداوند بپرس. حضرت موسی علیه السلام فرمودند: چه سؤالی دارید. گفتند: از خداوند بخواه که کاری را به ما یاد دهد که اگر آن را انجام دهیم، از ما راضی می‌شود. حضرت موسی علیه السلام قبول کرد. به کوه طور رفت و بعد از گفتگو با خداوند، پیام بنی اسرائیل را نیز رساند. خدای متعال قریب به این مضمون فرمود که بنی اسرائیل مرد این میدان نیستند که بتوانند آن کار را انجام دهند. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: بارالها! درست است که آنها مرد عمل نیستند؛ اما شما بفرمایید که من به آنها بگویم؛ اگر عمل نکردند، بر گردن خودشان. حضرت حق فرمود: یا موسی! به بنی اسرائیل بگو از من راضی شوید تا من هم از شما راضی شوم. راهش این است. در این روایت فرمود کسی که می‌خواهد فردای قیامت خدای متعال را در حالی ملاقات کند که خدا از او راضی است. خدا کی از انسان راضی می‌شود؟ وقتی که انسان از خدا و مقدرات الهی راضی باشد؛ وقتی که از آنچه خدای متعال در زندگیش پیش آورده است راضی باشد؛ چه در جنبه‌ی تکوین، چه در جنبه‌ی تشریح؛ چه آنچه در قالب حوادث، رخدادها و موقعیت‌ها در زندگیش پیش آمده و در دل آنها قرار گرفته است. در بحث‌هایی که قبلاً داشته‌ایم اشاره کرده‌ام که همه‌ی اینها را خدا می‌کند؛ غیر خدا احدی در این عالم کاره‌ای نیست. هرچه می‌شود او می‌کند؛ دیگران چه سعید و چه شقی، مجرای ظهور فعل حضرت حق هستند. در حدیث قدسی است که خدای متعال فرمود: «الظَّالِمُ سَيفِي» ظالم هم شمشیر من است. فکر نکنید که ظالم توانسته است دکان

جدیدی در مقابل دستگاه من خدا باز کند. نه، ظالم هم شمشیر من است. همه ابزار و مجرای فعل الهی هستند. هر چه می‌شود، هر کس می‌کند خدا کرده است. فرقی نمی‌کند؛ از تلخ و شیرین؛ از نرم و درشت؛ هر چه می‌شود خدا کرده است. چه به دست انسان‌ها، چه به دست عوامل طبیعی؛ چه به دست عوامل فوق طبیعی، همه‌ی عالم مجرا و مجرای فاعلیت حضرت حقند. لذا شخص از هر چیز ناراحت باشد، در واقع از خدا ناراحت است. «مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا [فَقَدْ] أَصْبَحَ عَلَى اللَّهِ [رَبَّهُ] سَاخِطًا»<sup>۱۵</sup> هر کس صبح کند در حالی که از وضعیت دنیوی خود محزون است، در حالی صبح کرده که از دست خداوند غضبناک است. «مَنْ أَصْبَحَ يَشْكُو مُصِيبَةً نَزَلَتْ بِهِ فَإِنَّمَا يَشْكُو رَبَّهُ»<sup>۱۶</sup> هر کس صبح کند در حالی که از مصیبتی که بر او وارد شده است، شکوه دارد؛ گله‌مند است، او از دست خداوند شکوه دارد. غیر خدا کسی در زندگی ما کاره‌ای نیست.

بنابراین رضایت خدا متوجه کسی است که از آنچه خدا در زندگی در قالب تکوینیات پیش آورده است راضی باشد و از آنچه در قالب تشریعیات مقرر کرده است هم راضی باشد؛ یعنی آنچه خدا مقدر کرده است را به گوارایی استقبال می‌کند و می‌پذیرد و آنچه خدا مقرر کرده است را هم با گوارایی می‌پذیرد و استقبال می‌کند؛ یعنی احکام‌الله را هم با رضایت و رغبت، با شوق و شیرینی استقبال می‌کند. نه اینکه با تلخی به خودش تحمیل کند. خودش را به زور وادار کند که مثلاً نماز بخواند؛ خمس بدهد؛ زکات بدهد؛ حجاب داشته باشد؛ تقوا را مراعات کند و ... . مقام رضا فوق مقام صبر است. در مقام صبر، به زور خودش را به انجام این کارها وادار می‌کند؛ به خودش تحمیل می‌کند؛ ولی در مقام رضا با شیرینی از این کارها استقبال می‌کند؛ آنچه آن خسرو کند شیرین بود. هر چه او می‌کند و هر چه او امر می‌کند را با شیرینی استقبال می‌کند.

<sup>۱۵</sup>. مجلسی، بحار، ج ۱۳، ص ۳۴۸ و طوسی، امالی، ص ۲۲۹ و محدث‌قمی، سفینة البحار، ج ۳، ص ۲۸۱.

<sup>۱۶</sup>. ابن‌شعبه‌ی حرانی، تحف العقول، ص ۸ و شیخ مفید، امالی، ص ۱۸۸ و مجلسی، بحار، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

اگر بخواهیم فردای قیامت امام رضا علیه السلام را ملاقات کنیم، درحالی که خدای متعال از ما راضی است، باید از آنچه خدای متعال مقدر و مقرر کرده، راضی شویم. البته این عنایت حضرت رضا علیه السلام است که نمی- شود زائری ولو با یک کوه غم و غصه و دل خوری به حرم ایشان برود و با شادمانی بیرون نیاید. ولی خیلی زشت است که انسان نزد معشوق و محبوبش برود درحالی که از معشوقش دلخور است. این طرز رفتن پیش معشوق نیست. زمانی که پیش امام رضا علیه السلام درد دل‌ها و غصه‌هایت را می‌گویی، در واقع نزد امام رضا علیه السلام به خودش گله می‌کنی که العیاذ بالله چرا این بلاها را سر من آوردی.

زشت است که انسان با دل غصه‌دار وارد حجله شود. ماجرای هرکس پلویش را خورده، خودش به حجله برود را یادتان هست؛ خداوند حاج‌آقای دولابی را رحمت کند؛ رضوان الله تعالی علیه؛ می- فرمودند: در قدیم برنج خیلی کم خورده می‌شد. سالی یکبار، مثلاً شب عید به شب عید برنج می- پختند. برای همین خیلی‌ها به خصوص جوان‌ها حسرت خوردن یک پلو مفصل را داشتند. جوانی به خودش وعده داده بود که ان‌شاءالله شب عروسیم که سور حسابی می‌دهند، شکمی از عزا در می‌آورم و پلوی مفصّلی می‌خورم. شب عروسی فرا رسید و مهمان‌ها آمدند. موقع شام شد؛ سفره‌ها را پهن کردند و دیس‌های پلو در سفره چیده شد. پدر داماد همه‌ی مهمان‌ها را برای صرف غذا بر سر سفره دعوت کرد. داماد که سال‌ها به خودش وعده‌ی این پلو را داده بود، قبل از همه دورخیز کرد که سر سفره برود. پدرش دست او را گرفت و گفت: بایست اینجا! کجا می‌روی؟ داماد از برخورد پدرش دلخور و غصه‌دار شد؛ همه رفتند سر سفره نشستند و پلوه‌ها را خوردند؛ او هم با نگاهی حسرت‌آمیز تماشا می‌کرد و در دل می‌گفت: ای بابا! ما سال‌ها به خودمان وعده داده بودیم این پلو را بخوریم؛ پدرمان نگذاشت. مهمان‌ها غذایشان را خوردند و از صاحب مجلس تشکر و خداحافظی کردند و رفتند. بعد از رفتن مهمان‌ها، پدر به داماد گفت: عروس خانم در حجله منتظر شماست. داماد که خبر نداشت که یک سفره‌ی اختصاصی با غذاهای بهتر و در شرایط بهتر برای داماد و عروس تدارک دیده‌اند؛ دلخور از اینکه پدرش نگذاشت پلو را بخورد گفت: ارواح پدرش! هرکس پلویش را خورده است، خودش هم به حجله برود، من نمی‌روم. خلاصه گاهی اوقات اینگونه است. وقتی می‌خواهیم به حجله برویم، البته

حجله مثالی کوچک و نازل است، وقتی می‌خواهیم به ملاقات خدا و اولیاء خدا برویم - که کوچک‌ترین تعبیر برای آن، همان تعبیر شب زفاف حقیقی مؤمن است؛ چون زفاف، وصال به معشوق مجازی در عالم طبیعت است و ملاقات با خدا و اولیاء خدا، وصال به محبوب و معشوق حقیقی است - با دل محزون می‌رویم. نکند خدای ناکرده با دل غصه‌دار به محضر علی بن موسی الرضا علیه السلام برویم و بگوییم ارواح پدرش! هرکس پلویش را خورده، داخل حرم امام رضا علیه السلام برود؛ العیاذبالله! با دلخوری رفتن به حرم قشنگ نیست؛ سعی کنیم هرطور شده لبخندی برای خودمان تدارک ببینیم و با آن لبخند وارد حرم شویم. کسانی هستند که وقتی قیافه‌هایشان را می‌بینی، متوجه می‌شوی که غصه‌هایش را جمع کرده؛ یک کوله‌بار درست کرده که نزد امام رضا علیه السلام برود و درد دل کند؛ اما اگر کسی هم با دل‌خوری نزد حضرت برود، شاید ندیده باشید که موقع بیرون آمدن از حرم اخم داشته باشد؛ کسانی که از حرم بیرون می‌آیند چهره‌هایشان باز است. یعنی امام رضا علیه السلام آنها را با خدا آشتی داد. یکی از برکات حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام این است که انوار ولایت حضرت، قلب مؤمن را راضی می‌کند و او با دل شاد از پیش امام رضا علیه السلام برمی‌گردد؛ با رضایت خاطر از محضر حضرت برمی‌گردد.

بنابراین، به حقیقت زیارت از این منظر نیز نگاه کردیم که زیارت حقیقی، ملحق شدن به حقیقت امام در همه‌ی مراتب وجودی است. زائر و واصل کسی است که همه‌ی مراتب وجودیش، خلیقاتش، روحیاتش، افکارش، اندیشه‌هایش، آرزوهایش، آرمان‌هایش، عادت‌هایش، رفتارهایش، سخنان و گفتارش به مولای خودش ملحق شود. در این صورت او به وصال، دیدار، لقاء و زیارت رسیده است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ